



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۱/۱۳

علی سمیع

## افغانستان در میان ستراتیژی امریکا و نظم نوین جان

چنان بنظر می رسد که ستراتیژی اخیر و پاکستان ستیزانه رئیس جمهور امریکا، به هراس های کابل و مردم افغانستان نقطه پایان گذاشته خواب های دیرینه مردم افغانستان را با وارد نمودن فشار و انتقادات سریع از عمل کرد و برخورد دوگانه پاکستان، به حقیقت تبدیل نموده است. این موضوع پاکستان را به سراسیمگی روبرو نموده است، زیرا شنیدن سخن های همچو پاکستان حامی تروریست و لانه امن هراس افگنان در منطقه بوده، باعث درازای جنگ و در خطر اندازی پرستیژ جهانی امریکا و جانباختن سربازان اردوی امریکا در جنگ افغانستان می باشد، از آدرس رئیس جمهور امریکا واقعاً نمایانگر آن است که افغانستان و امریکا در برابر پاکستان و هراس افگنان از حلقوم مشترک صدا بلند می نمایند. اما از سوی دیگر، اگر موضعگیری های جدید امریکا را با ساختار ها و بستار های امروزی کشور ها و قدرت های منطقه و اهمیت بستگی های افغانستان با آنها را اندکی ژرف نگرانه مورد مطالعه و مقایسه تحلیلی قرار دهیم، پس در خواهیم یافت که افغانستان در پهلوی دستیابی به یگانه و ملی ترین آرمان هفتاد ساله خود، از دید روابط بین المللی و سیاست امنیتی و دفاعی منطقوی، هنوز هم در معرض تهدید ها و کشمکش های سرسام آور نیز قرار دارد. اینجا با پی هم گزاری امکانات، چانس ها و تهدید های منطقوی و جهانی افغانستان را با درنظرداشت ستراتیژی جدید امریکا و مقتضیات و برنامه های منطقوی برخاسته از نظم نوین جهان، مورد مطالعه و ارزیابی دقیق قرار می دهیم.

چرخش ها و تغییرات سیاسی، اقتصادی و امنیتی که در سالهای اخیر در میان کشور های اوراسیا (Eurasia) رقم خورده است یکی از شاخصه های اصلی تغییر سیاست و موقف امریکا در برابر پاکستان و منطقه می باشد. اینکه پاکستان حامی اساسی رشد و بقای تروریسم در افغانستان بوده و می باشد هیچ گاهی هم از دید امریکا مخفی نبوده است، اما از آنجای که پاکستان برای امریکا «همپیمان عمده بیرون ناتو» و همناوای دوران جنگ سرد بوده است، امریکا هراس افکن پروری آنرا هیچگاهی همچو تهدید امنیتی بخود و نیروی های نه پنداشته است. حالا چنان بنظر می رسد که ساختار روابط میان قدرت ها و طرف ها در منطقه اوراسیا پس از گذشت دو نیم دهه از فروپاشی نظم جهان دو قطبی، خاصیت و سیمای جدید را بخود گرفته است. دقیقاً همین موضوع باعث شده تا امریکا بر ستراتیژی « موازنه قدرت » خود در منطقه تجدید نظر نماید.

هنگامی که دونالد ترامپ در آستانه تسلیم گیری دفتر کاری ریاست جمهوری امریکا از رئیس جمهوری قبلی آنکشور قرار داشت، مردم افغانستان و بخصوص قشر سیاسی این کشور، خوشبین بر آن بودند که تنش های آنکشور با قدرت های بزرگ جهان مخصوصاً با روسیه، پایان می یابد. امریکا با چین نیز بیشتر نزدیک شده هردو و یا هم هر سه قدرت بزرگ جهانی و منطقوی، دست به دست هم داده در جهت احیای دوباره ثبات جهانی کوشا می شوند. از آنجای که دونالد ترامپ در جریان کمپاین های انتخاباتی خود متعهد بر دوام سیاست های هراس افکن ستیزانه بود، قشر سیاسی افغانستان چنان می اندیشیدند که امریکا پس از احیای روابط سیاسی و امنیتی با قدرت های بزرگ اوراسیا، با داشتن حمایت کلی و فراگیر منطقوی بالای پاکستان فشار های بیشتر وارد می نماید. در نتیجه پاکستان با تهدید انزوای منطقوی روبرو، و ثبات پایدار و امنیت بهتر در منطقه حکم فرما و افغانستان دوباره به مرکز همکاری ها میان قدرت های جهانی و منطقوی تبدیل می شود. اما اینکه افغانستان در سیاست خارجی امریکا جایگاه جدید را اتخاذ نموده است را حتی تا امروز هم تحلیلگران امور مربوطه در افغانستان متوجه نشده اند.

حال جنبه عملی و غیر عملی این انتظار ها را در بازتابهای قدرت های بزرگ و دخیل در قضایای افغانستان و منطقه، جستجو و بعد از آن برابند های احتمالی ستراتیژی جدید امریکا در قبال پاکستان و برگشت ثبات پایدار به افغانستان را پیش بینی می نمایم.

در اصل، موضوع ستراتیژی جدید امریکا در قبال افغانستان، پاکستان و مسئله جنگ بر تروریسم، برای پاکستان قابل پیش بینی بوده است. همینکه رئیس جمهور امریکا دستور داد تا موقف نماینده خاص امریکا برای افغانستان و

پاکستان<sup>1</sup> منحل و قضیه افغانستان به دیپارتمنت آسیا جنوبی و آسیای میانه<sup>2</sup> محول گردد<sup>3</sup>، حکومت و تحلیلگران روابط بین المللی و سیاست امنیتی پاکستان پی بردند که اداره ی جدید امریکا، بیش از این به دریافت راه حل دیپلماتیک قضیه افغانستان همچو حکومت قبلی، باورمند نمی باشد و اقدامات سختگیرانه را شاید روی دست گیرد. پاکستان در این زمینه دو چرخش را از امریکا انتظار داشت: اول اینکه امریکا پیمان ستراتیژیک «همپیمان عمده غیر ناتو» امریکا-پاکستان را به تعلیق در میآورد و کمک های مالی و نظامی خود را متوقف می سازد. دوم اینکه امریکا نقش هندوستان را جهت حل چلنج ها در افغانستان برانزده می سازد.

پاکستان بر اساس اطلاعات بدست داشته از نمایندگی های سیاسی، دیپلماتیک و لابی خود، باورمند است که توانایی ها و علایق امریکا در افغانستان در حال نزول قرار دارد و در پی خروج با آبرو از افغانستان می باشد. بنا بر این ملحوظ، اقدامات پاکستان ستیزانه اخیر امریکا را ناشی از هراس از باخت تلقی می نماید. به همین دلیل قبل از آنکه امریکا ستراتیژی جدید و پاکستان ستیزانه خود را پیاده نماید، به ایجاد روش های ستراتیژیک و مشترک منطقی زیر نام «روسیه، چین و پاکستان باید شکست و ریخت های امریکا را در افغانستان پاک نماید»<sup>4</sup> پرداخته است. هدف چنین تحرکات و چرخش های جیوپولیتیکی از یکسو قدرت نمایی تهدید آمیز می باشد و از سوی دیگر ارزش جیوپولیتیکی پاکستان را نزد امریکا و غرب می تواند بالا ببرد. پاکستان در این روش، کشور های همچو روسیه و چین را در محراق توجه قرار داده است تا در صورتی تغییر برنامه امریکا در منطقه، بتواند با استفاده از نقش خود و آن دو قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی، مثلث جدید را تشکیل و امریکا و افغانستان را در انزوای کلی منطقی روبرو نماید. و یا هم در صورت بقای گرمی روابطش با غرب، پل ارتباطی میان غرب و قدرت های بزرگ منطقه، در جریان ها و سازمان های همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی اوراسیا باشد. البته پاکستان باورمند است که برای چنین یک جریان، تقاضای سرشار در میان کشور های فوق الذکر نیز وجود دارد. به همین ملحوظ این سه کشور اقدام به نشست های سه گانه و چهار گانه در پاکستان و مسکو نموده اند تا راه حل صلح آمیز و ایجاد ثبات سیاسی در افغانستان و منطقه را دریابند. گزارشات نا تأیید شده می رسانند که بعضی از نماینده های طالبان نیز در این نشست ها حضور به هم رسانیده اند، زیرا تمامی طرف ها در مورد موجودیت داعش در افغانستان و منطقه نگرانی دارند و حتی انتخاب استفاده طالب در برابر داعش را نیز غور و بررسی دارند.

از سوی دیگر دیده می شود که ستراتیژی پاکستان ستیزانه دونالد ترامپ و برانزده سازی نقش هندوستان در مسئله افغانستان، از سوی کشور ها و قدرت های اوراسیا همچو چین و روسیه نه تنها که استقبال نگردیده است، بل موضعگیری های پاکستان پرورانه را نیز از سوی ایشان در قبال داشته است که ذیلا به آنها اشاره می نمایم: وزارت خارجه چین بعد از گفته های آقای ترامپ و برنامهی وارد نمودن فشار ها بر پاکستان، طی کنفرانس مطبوعاتی خاطر نشان نمود که «پاکستان در خط مقدم مبارزه علیه تروریسم قرار دارد و در امر نابودسازی تروریسم طی سالهای متمادی فعالانه کوشش و فداکاری ها نموده است، همچنان سهم مهم خود را در امر حفظ ثبات و صلح منطقی و بین المللی گرفته است. ما باورمند هستیم که جامعه بین المللی باید بطور واضح کوشش های پاکستان بر ضد تروریسم را برسمیت بشناسد»<sup>5</sup>.

چین و پاکستان در قرن بیست بعد از برخورد های مسلحانه بر سر منازعات سرحدی با هندوستان، کشور هند را دشمن مشترک خود یافتند و با همدیگر پیمان های دوستی و همکاری های ستراتیژیک سیاسی، نظامی و اقتصادی را به امضا رسانیدند. معادله موازنه قدرت در منطقه از سوی چین و پاکستان از همان زمان الی امروز به همین

<sup>1</sup> SRAP: Special Representative to Afghanistan and Pakistan:

موقف نماینده ی خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان توسط اداره ی آقای اوباما در چوکات وزارت خارجه آنکشور بمیان آمده بود. حکومت قبلی امریکا بر این باور بود که چالش های افغانستان را بدون همکاری پاکستان نمی توان حل نمود و در زمینه باید با هردو از کانال مخصوص دیپلماتیک پرداخته شود.

<sup>2</sup> که هندوستان نیز مربوط این دیپارتمنت می شود

<sup>3</sup> Elise Labott (2017): State Department plans to eliminate special envoy on Afghanistan, Pakistan, Internet, <http://edition.cnn.com/2017/06/23/politics/state-department-tillerson-eliminate-envoy-afghanistan/index.html>.

<sup>4</sup> Sohail Khan (2017): Russia, China and Pakistan Will to Clean up the US-Created Mess in Afghanistan, Internet, <http://russia-insider.com/en/politics/russia-china-and-pakistan-will-have-clean-us-created-mess-afghanistan/ri20247> 2018-01-12, 12:29.

<sup>5</sup> Foreign Ministry Spokesperson Geng Shuang's Regular Press Conference (2018-01-02): Internet, Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/xwfw\\_665399/s2510\\_665401/2511\\_665403/t1523228.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xwfw_665399/s2510_665401/2511_665403/t1523228.shtml), 2018-01-09, 06:39.

شکل ترسیم گردیده است. در سال های پسین حکومت چین روی یک سلسله سرمایه گزاری های دراز مدت اقتصادی و برنامه های تمویل پروژه های زیربنایی در پاکستان نیز اقدامات عملی را آغاز نموده است. همچنان هندوستان و اتحاد جماهیر شوروی بعد از تقابل با چین و نزدیکی جیوپولیتیکی پاکستان و چین با غرب و همنوایی ایشان در کشمکش های منطقی، دارای مقاصد جیوپولیتیکی مشترک گردیده در برابر چین و پاکستان و غرب، موازنه جدید ستراتیژیک و جیوپولیتیکی را به میان آوردند که تا امروز پا برجا بوده است.

این ساختار های جیوپولیتیک منطقی، برخاسته از سیاست های امنیتی و دفاعی، در چهارچوب نظم جهان دو قطبی، هنگامی که هردو قطب با حفظ موازنه قدرت، هم در متن جریان ها نقش اساسی و محوری را بازی می کردند و هم از روریایی مستقیم با همدیگر خودداری می نمودند، به میان آمده بود.

این ساختار های امنیتی و دفاعی همیشه در سطح ادنی، میان کشور ها و قدرت های منطقی به میان می آمدند. کشور ها بر اساس تقاضا، ساختار، شکل و بستگی های سیاسی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی خویش به یکی از قطب های جهان وابسته می گردیدند تا در سطح اعلی سیاسی جهانی از حمایت و پوشش آنها برخوردار باشند.

نباید بدست فراموشی بسپاریم که نظم سیاسی و اقتصادی جهان همواره در مسیر رشد، انکشاف و تکامل تدریجی خود قرار دارد و به شکل سلسله وار یکی را پشت سر گذاشته با تاثیر پذیری از جریان ها، ضرورت ها و فاکتور های جدید، وارد دوره نوینتری می شود. جهان ما الی سال 1989 در گرو نظم دو قطبی و جنگ سرد قرار داشت و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از سال 1991 الی 2008، نظم جهان یک قطبی با رهبری امریکا و غرب بر روزگاران جهان حاکم می گردد. اگرچه هستند دانشمندی که این دور را مرحله گزار از نظم سیاسی جهان دو قطبی به چند قطبی نامیده اند، اما در هردو صورت اقتصاد و سیاست جهانی در این دور در ایالات متحده امریکا متمرکز و غربی می باشد. اما بحران های اقتصادی و مالی برخاسته از امریکا و نظام اقتصادی و مالی غربی در سال 2008، کشتزار های تازه را برای نوده زنی و شگوفایی جریان های سیاسی و اقتصادی به ارمغان آوردند. فرصت ها مساعد گشت تا روزه های جدید به عوض پیروی از نظم جهان یک قطبی به میان آیند. جهانی شدن امریکایی (American Globalisation) یا جهانی شدن یک قطبی و یکجانبه جای خود را به گلوبل پارتنرشپ (Global Partnership) و یا هم مشارکت جهانی تبدیل نموده، مفهوم و معنی جدید را بر نظم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان وارد نموده است.

نظم امروزی نه تنها بر تاثیر بیرون مرزی بی همتای امریکا که برنده جنگ های داغ بر علیه فاشیزم و سرد در برابر کمونیزم بی خدا می باشد، دیگرگونی ساختاری وارد نموده است که حتی بستر های جیوپولیتیکی، سازمانی، سیاسی و نظامی باقی مانده از دوران جنگ های سرد را نیز بر هم شکسته است.

در ماه دسمبر سال 2014، رئیس جمهور روسیه ستراتیژی جدید روابط و سیاست خارجی روسیه را در تالار وزارت خارجه آنکشور برای دیپلماتان روسی به معرفی می گیرد. موضوع «**هر کشور حق دارد تا متفاوت باشد**» نکته اساسی و محوری این ستراتیژی جدید روسی می باشد. روسیه این ستراتیژی را در جواب به ستراتیژی تحمیل دیموکراسی که از سوی امریکا بر دیگران تطبیق می شد، به هم ریخته است. از سال 2011 الی 2017، تفکر روسی با تفکر امریکایی در روریایی و رقابت قرار داشت. روسیه بر اصل حمایت از متفاوت بودن ها به عوض پذیرفتن نقش رهبری امریکا بر نظم جهان، در کشمکش قرار دارد. این جریان باعث شد تا برنامه های غرب بر ایران تطبیق نگردد، سرزمین از دست رفته سوریه دوباره بدست حکومت و دولت سوریه افتد، حتی اینکه ترکیه که عضو فعال ناتو و یکی از حامی های سرسخت غرب در دوران جنگ های سرد و ما بعد آن بود، آهسته آهسته دیزاین سیاسی-غربی خود را به نحو متفاوت سازد و برای بقای نظم و تفکر امروزی ترکی، به خریداری سیستم های دفاع هوایی و فضایی روسی اس-400 (S-400) پردازد. سیستم دفاع هوایی اس-400 برای دفاع از میزایل ها و سیستم های تهاجمی هوایی غربی ساخته شده است. فروپاشی رژیم صدام حسین در عراق و نظام معمر القذافی در لیبیا، نمونه های از نابودی نظام های متفاوت می باشند. امروز مفکوره حاکم گردیده است که اگر صدام حسین و معمر القذافی دارای سیستم های دفاع هوایی اس-400 یا اس 300 می بودند، پس حملات هوایی بم افغانان غربی، هیچگاه بساط اردو های ایشان را بر چیده نمی توانست. ترکیه روی همین اصل از یکسو با غرب می سازد و در عین حال، بدیل برای «**روز میادای**» خود را در شرق دمبال می نماید تا در پهلوی آنکه عضو ناتو هست، سیستم دفاعی در برابر ناتو را نیز داشته باشد.

خلاصه پارامیتر ها و بستر های جیوپولیتیکی، بعد از قد برافرازی محور های غیر امریکایی، در تمام جهان دیگرگون گردیده است، حتی که رئیس جمهور امریکا برای ایجاد ثبات و تامین امنیت در جهان بجای پافشاری بر اصل انتقال و تحمیل دیموکراسی بر دیگران، خاطر نشان می سازد که امریکا در شکل حکومتداری و حکومت سازی افغانستان کار ندارد و نمی گوید که افغانان چطور کشور خود را اداره کنند، بل تنها با تروریزم و هراس افگنی مبارزه می نمایند. یعنی حق متفاوت بودن نه تنها برای افغانستان و افغانها حفظ گردیده است بلکه این شاخصه پس از این به اصل پذیرفته شده ی جهانی نیز تبدیل شده است.

امروز چین و روسیه با هم نزدیکتر از هر وقت دیگر اند، روابط روسیه و پاکستان هم در کانال های دو جانبه و هم در کانال های چند جانبه همچو سازمان همکاری های شانگهای در حالت بهتر شدن قرار دارد. در عین حال روابط و وابستگی های اقتصادی میان هند و چین به شکل روز افزون در گسترش است. پاکستان و هند در سازمان همکاری های شانگهای هر دو عضویت حاصل نموده اند. اما اگر درست متوجه شده باشیم، روابط و خیم روسیه و آمریکا بر گرمی روابط روسیه و چین، گرمی روابط چین و آمریکا بر گرمی روابط چین و روسیه و نزدیکی آمریکا با هند بر روابط ستراتیژیک و جیوپولیتیک روسیه و هند تاثیر منفی وارد نمی نماید. همچنان کشمکش ها و شمشیر کشی های چین و هندوستان بر روابط های ستراتیژیک و جیوپولیتیک و اقتصادی ایشان و دیگر کشور های جهان تغییرات قابل ملاحظه ی منطقی و جهانی را به ارمغان نمی آورد.

در نظم جهان امروزی که بر اصل مشارکت جهانی استوار می باشد، تمامی کشور ها مسوولیت مشترک در راستای تامین امنیت داخلی و بین المللی و جهانی را دارا می باشند. مخالفت ها شکل انفرادی و خصوصی و دو جانبه را گرفته اند. هیچ کشوری برای کشور دیگر نباید هدایات و اوامر صادر نماید، هیچ جناح برای جناح دیگری نباید خطوط، مقاصد، اهداف و مسیر سیاسی و اقتصادی تعیین نماید، اما در عین حال هیچ کشوری و هیچ جناح نباید ثبات، آرامش، پیشرفت و آزادی ملتی و کشوری دیگر را به خطر مواجه نماید.

اوراسیا یکی از منطقه های با ارزش جیوپولیتیک و جیواکونامیکی جهان می باشد. قدرت ها و کشور های این منطقه هنوز دارای اجماع منطقی مشترک در راستای مبارزه در برابر تهدید های امنیتی و سیاسی همچو تروریسم، کشت، قاچاق و استفاده ی مواد مخدر و دیگر چلنج ها و کشمکش ها نیستند. افغانستان در پهلوی آنکه در قلب اوراسیا قرار دارد، شاهراگ اساسی اقتصادی و کانال گردهمایی مرکزی در منطقه نیز می باشد. اما با در نظر داشت تاریخ چهار دهه اخیر، این کشور نه در دوران جهان دو قطبی و نه در دوران جهان یک قطبی توانسته سیاست خارجی و داخلی کامیاب و نجات بخش برای خود و منطقه داشته باشد. اوراسیا به انکشاف همه جانبه و همه شمول ضرورت دارد، روسیه، چین، کشور های آسیای میانه و آسیای جنوبی جهت ختم تهدید های امنیتی و انکشاف روابط اقتصادی و تطبیق پروژه های انکشافی ترانس-ریجیونال به افغانستان امن، آرام و با ثبات ضرورت دارند.

چنان بنظر می رسد که افغانستان از برای دو فاکتور نتوانسته در پهلوی حمایت آمریکا، ناتو و همپیمانان غربی خود، گفتمان و اجماع همه شمول منطقی را در زمینه های مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، تسریع روند همکاری های اقتصادی منطقی و همگام سازی قدرت های منطقی با برنامه های آمریکا، ایجاد نماید. فاکتور اولی موجودیت درازمدت نیرو های نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان بدون تفاهم ستراتیژیک و باورمند با قدرت های منطقه همچو چین و روسیه می باشد. فاکتور دومی عبارت از فقدان اهداف و مقاصد مشترک میان افغانستان و قدرت های بزرگ منطقی در امر مبارزه علیه تروریسم و مواد مخدر می باشد.

در میان سه قدرت بزرگ منطقی که عبارت از روسیه، چین و هندوستان می باشد، تنها هندوستان به این باور است که پاکستان سرزمین مادری و منبع رشد و صدور تروریسم در منطقه است و جامعه جهانی، قدرت های بزرگ و کشور های منطقه باید بر علیه پاکستان مبارزه نمایند. اما از سوی دیگر، روسیه و چین در زمینه مبارزه علیه تروریسم بیشترین توجه خود را بالای خاور میانه و داعش دارند، نه پاکستان و تروریسمی پاکستانی. اگر به اعلامیه<sup>6</sup> ی سال 2016 کشور های برهجا<sup>7</sup> (برازیل، روسیه، هندوستان، چین و افریقای جنوبی) نظر اندازی نمائیم، پس تنها داعش، گروه های هراس افکن و جبهه النصره سوریه را در محراق توجه این گروه در می یابیم. این درحالیست که صدراعظم هندوستان در جریان سخن رانی های خود در این نشست چند بار در باره پاکستان و نقش مادری اش در عرصه رشد، تمویل و صدور گروه های القاعده همچو طالبان، لشکر طیبیه و جهش محمد یاد آوری نمود، اما باز هم تمام کوشش های هندوستان در راستای قرار دادن کشور های همچو چین و روسیه در برابر پاکستان نا تمام باقی ماند. این باور و لابی هندوستان اخیراً از سوی رئیس جمهور آمریکا مورد قبول قرار گرفته است و به همین منظور می خواهد تا نقش هندوستان را در مسئله بارز و پاکستان را با مثلث خطرناک آمریکا-هندوستان-افغانستان مورد تهدید قرار دهد.

قابل ذکر می پندارم که مسئله مبارزه با طالبان و کوتاه سازی دست پاکستان از روزگار سیاسی افغانستان، برای افغانستان و مخصوصاً حکومت فعلی برنامه کوتاه مدت می باشد. هدف و مقصد اساسی و دراز مدت حکومت افغانستان بیشتر تبدیل نمودن جایگاه آسیب پذیر و منزوی اقتصادی و تجارتي افغانستان به شاهراه ترانزیتی اوراسیا و ترانس-ریجیونال میان آسیای جنوبی و آسیای میانه می باشد. از برای عملی نمودن همین ستراتیژی، افغانستان با همکاری هندوستان و ایران به گشایش و توسعه ی بندر چابهار اقدام عملی نمود. از سوی دیگر کار بالای جاده

<sup>6</sup> این اعلامیه براینده هشتمین نشست سالانه ی سران کشور های برهجا می باشد که در گویای کشور هندوستان در سال 2016 برگزار گردیده بود.

<sup>7</sup> در زبان انگلیسی به این گروه از کشورها از اختصار BRICS استفاده می شود.

لاجورد را آغاز کرده است و در عین حال برای وصل بودن در جاده ابریشم که از سوی چین آغاز شده است کوشش های خستگی ناپذیر می نماید. اما اگر افغانستان تا چند سال آینده برنامه ها و ستراتیژی های امریکا را با خواست ها و مقاصد قدرت های منطوقی فوق الذکر هماهنگ نسازد، و در عین حال روی میکانیزم دراز مدت و باورمند همکاری های منطوقی با آنها کنار نیاید، پس در آنصورت پیش بینی های زیرین محتمل می باشند:

- جایگاه منطوقی اش از سوی قدرت های منطقه نمای از امتداد ستراتیژی امریکا پنداشته خواهد شد.  
- قدرت های فوق الذکر منطوقی، به دنبال احیا و ایجاد راه ها، جاده ها و شاره راه های اقتصادی، تجارتي و ترانزیتی دیگری<sup>8</sup> خواهند پرداخت.

- افغانستان چانس دستیابی به جایگاه نقطه وصل میان آسیای میانه و آسیای جنوبی و تبدیل شدن به شاهراه اقتصادی، تجارتي و ترانزیتی اورآسیا را از دست خواهد داد.

- افغانستان برای دراز مدت ها در چهارچوب سه گانه امریکا-هندوستان-افغانستان باقی خواهد ماند.

- روسیه، چین، ایران و پاکستان در برابر امریکا در منطقه نزدیکتر خواهند گردید.

- و افغانستان به مرکز تقابل و برخورد مقاصد و اهداف قدرت های منطقه و امریکا تبدیل خواهد شد.

امریکا افغانستان را میدان حفظ ستراتیژی موازنه قدرت جهانی خود در منطقه می داند. حضور پر قدرت نظامی امریکا در پولند و حمایت آنکشور در اروپای شرقی و مرکزی در برابر جرمنی و روسیه از برای ایجاد خط فاصل جغرافیایی میان روسیه و جرمنی و حمایت و استفاده اوکراین در برابر روسیه از برای ایجاد خط فاصل میان روسیه و اروپای مرکزی و شرقی می باشد. زیرا اگر روسیه و جرمنی و روسیه و کشور های اروپای مرکزی و شرقی بدون موجودیت، تاثیر نظامی، جیوپولیتیکی و جیواکونامیکی امریکا به همکاری های اقتصادی، سیاسی، تکنالوژیکی و ... بپردازند، پس آهسته آهسته نقش رهبریت امریکا در روزگاران سیاسی اروپا، بی معنی می شود. بناً همانطور که امریکا موازنه قدرت جهانی خود را در اروپا و سایر مناطق دیگر جهان حفظ نموده است، در اورآسیا هم افغانستان را همچو خط فاصل میان آسیای جنوبی و آسیای میانه استفاده نموده برای دراز مدت ها جهت موجود بودن در متن همکاری های منطوقی و حفظ موازنه قدرت جهانی خود، اینجا باقی می ماند. این یگانه و ستراتیژیک ترین جایگاه برای افغانستان در سیاست خارجی و ستراتیژی حفظ موازنه ی قدرت امریکا می باشد. بنا بر همین ملحوظ، بعضی از نظریه پردازان روابط بین الملل و تحلیلگران سیاست جهان معتقد اند که «**امریکا هرگز نمی خواهد تا جنگ افغانستان پایان یابد، زیرا افغانستان برای پنتاگون و سکتور های قراردادی اش، همچو گاو شیری می باشد**».<sup>9</sup>

بناً، با درنظرداشت تمامی فکتور های فوق، ستراتیژی جدید امریکا باعث شده است تا:

- قدرت ها و کشور های منطقه در سنجش ها و ستراتیژی های اورآسیایی خویش حضور و تاثیر دراز مدت امریکا را مد نظر می گیرند.

- امریکا در روند و ساختار های همکاری های اقتصادی و سیاسی اورآسیا در متن قضایا باقی مانده، موازنه قدرت جهانی خود را در منطقه حفظ می نماید.

- افغانستان در ستراتیژی و سیاست خارجی امریکا نقش مهم و بسزای را دارا شده است. زیرا دریافت راه حل به معضل ناتمام افغانستان الی انتخابات بعدی در امریکا، یگانه سیاست خارجی کامیاب برای جمهوری خواهان و دونالد ترامپ می تواند تا پرستیژ جهانی شکسته شده امریکا را در سطح جهان دوباره ترمیم می نماید.

و به عنوان آخرین سخن، اگر افغانستان روی میکانیزم دراز مدت و باورمند همکاری های منطوقی با قدرت های بزرگ اورآسیا کنار می آید، پس آنگاه پاکستان با چلنج های زیرین روبرو می گردد:

- دپلوماسی فعال و مولتی-ویکتور حکومت افغانستان باعث ایجاد فضای همکاری های همه جانبه میان امریکا و قدرت های بزرگ منطوقی می گردد.

- حمایت قدرت های بزرگ اورآسیایی همچو روسیه و چین را نیز از دست می دهد.

- مجبور به اختتام ستراتیژی هراس افکن پروری خود می شود.

- در صورت ادامه هراس افکن پروری، قدرت های منطوقی فوق الذکر را نیز همچو امریکا و هندوستان در برابر خود قرار می دهد.

- از لحاظ اقتصادی، تا ناکجاها در گلی ازدهای اقتصادی چین فرو می افتد.

<sup>8</sup> اینکه قدرت های سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه در جواب ستراتیژی و حضور امریکا در افغانستان چه راهکار ها و بدیل های را مدنظر گرفته اند، در نوشته ی بعدی روشن خواهیم نمود. در نوشته های بعدی به این شاهراه ها و جاده های اقتصادی و ترانزیتی خواهیم پرداخت.

<sup>9</sup> Becker (2017): 'US doesn't want Afghanistan war to end – it's cash cow for Pentagon, contractors', Internet, <https://www.rt.com/op-edge/400760-us-afghanistan-war-pentagon/>, 2018-01-12, 12:40.

- و حتی توانایی حفظ تمامیت ارضی و غلبه بر جدایی طلبان بلوچ و پشتون را نیز از دست میدهد.

نویسنده:

علی سمیع

محصل دور دوکتورا در رشته اقتصاد جهانی، پوهنتون کورونوس بوداپست-هنگری.

نوت: دوستان اگر نقد و نظر داشته باشند، میتوانند مطرح کنند تا بحث را ادامه دهیم!

1. SRAP: Special Representative to Afghanistan and Pakistan.
2. موقف نماینده ی خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان توسط اداره ی آقای اوباما بمیان آمده بود زیرا آنها بر این باور بودند که چلنج های افغانستان را بدون همکاری پاکستان نمی توان حل نمود و در زمینه باید با هردو از کانال مخصوص دیپلماتیک پرداخته شود.
3. که هندوستان نیز مربوط این دیپارتمنت می شود
4. Elise Labott (2017): State Department plans to eliminate special envoy on Afghanistan, Pakistan, Internet,
5. <http://edition.cnn.com/2017/06/23/politics/state-department-tillerson-eliminate-envoy-afghanistan/index.html>
6. Foreign Ministry Spokesperson Geng Shuang's Regular Press Conference (2018-01-02): Internet, Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China, [http://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/xwfw\\_665399/s2510\\_665401/2511\\_665403/t1523228.shtml](http://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xwfw_665399/s2510_665401/2511_665403/t1523228.shtml), 2018-01-09, 06:39.
7. Sohail Khan (2017): Russia, China and Pakistan Will to Clean up the US-Created Mess in Afghanistan, Internet, <http://russia-insider.com/en/politics/russia-2018-01-china-and-pakistan-will-have-clean-us-created-mess-afghanistan/ri20247>, 12, 12:29.
8. این اعلامیه بر ایند هشتمین نشست سالانه ی سران کشور های برهچا می باشد که در گواهی کشور هندوستان در سال 2016 برگزار گردیده بود.
9. در زبان انگلیسی به این گروه از کشورها از اختصار BRICS استفاده می شود.
10. اینکه قدرت های سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه در جواب ستراتیژی و حضور امریکا در افغانستان چه روش ها و بدیل های را مدنظر گرفته اند، در نوشته ی بعدی روشن خواهیم نمود. در نوشته های بعدی به این شاهرها ها و جاده های اقتصادی و ترانزیتی خواهیم پرداخت.
11. Becker (2017): 'US doesn't want Afghanistan war to end – it's cash cow for Pentagon, contractors', Internet, <https://www.rt.com/op-edge/400760-us-afghanistan-war-pentagon/>, 2018-01-12, 12:40.